

مقدمه

همه کوشش‌های دانشمندان قدیم در شناخت اصطلاحات، تقسیم‌بندی علوم، و ترتیب ابواب و فصول و بخش و فهرست و... می‌تواند به عنوان تدوین نظام نشانه‌شناختی در نظر آید. بسیاری از دانش‌ها قدیمی هستند و در بسیاری از موارد به صورت ناخودآگاه یا طبیعی مطرح شده‌اند، اما بروز و ظهور و برجسته شدن آنها، فصل‌های جدیدی را فرا روی ما می‌گشاید.

دانش نشانه‌ها و شناخت آنها به منزله شناخت نقطه‌هایی نورانی است که در پرتو مخروطی شکل خود می‌توانند بخش‌های مهمی از علوم، معارف و هنرها را در بر بگیرند. ما همه اقیانوس‌ها را نقطه به نقطه نمی‌توانیم بنگریم، اما با نصب نشانه‌ها و اندازه‌گیری تغییرات آنها، اطلاعات لازم را به دست می‌آوریم. چارلز سندرس پیرس و فردینان دوسوسور اصطلاحات Semiotics / Semiotic و Semiology را در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به کار بردند. در روان‌شناسی اجتماعی، زبان‌شناسی، و ادبیات در تقسیم‌بندی نشانه‌ها و دلالت‌ها و تفسیرها، سوسور و پیرس گام‌های نخستین را فراییش نهادند. ژاک دریدا فیلسوف فرانسوی نسبت به نظریات سوسور و پیرس انتقاداتی وارد آورد و نظریات آنان را توجیه‌پذیر نمی‌دانست. مقاله حاضر نقد همه این نظریات نیست، تنها کوششی است برای شروع و طرح این بحث که از دانش نشانه‌ها چگونه می‌توان در نقد و سبک‌شناسی ادبی مدد گرفت. سؤال اساسی مقاله این است که چگونه می‌توان با شناخت نشانه‌ها، به تحقیق و بخش‌بندی آثار ادبی پرداخت و چگونه ممکن است به ارزشیابی و کاربرد نشانه‌ها در متون ادبی دست یافت. در این مقاله به بحث و معرفی نشانه‌ها و طرح نظریات پیرس پرداختیم، در مقاله بعدی به ارزشیابی و کاربرد خواهیم پرداخت.

نشانه‌شناسی به معنی دانش نشانه‌هاست. در زبان فارسی این واژه از «نشاختن» به معنی نشانیدن و تعیین کردن آمده است. «نشاختن» به معنی علامت باشد و فعل امر از مصدر نشانیدن نیز هست. صورت

قدیمی‌تر واژه در زبان پهلوی «nish» و در اوراق مانوی تورفان «niyashand» به معنی خواهند دید ملاحظه می‌شود. در لهجه‌ها «nish» به معنی نگاه کردن و در ایرانی میانه به صورت «nishan» و در فارسی جدید نیز نشان به معنی علامت است. نشان یا نشانه علامت چیز دیگر است.^۱

در زبان‌های سامی واژه «اسم»، و «سم» و مصدر «تسمیه» و «شم» و شیمه شاید از یک خانواده باشند. و سمه، رستنی باشد که آن را در آب جوشانند و زنان ابرو را بدان رنگ کنند.

دو واژه semiotics و جدیدتر آن semiology، از یک ریشه مشترک یونانی مشتق شده‌اند: semeion شاید که sign صورت کوتاه شده‌ای از همان واژه باشد.

شاید ریشه سمه و semeion در سامی و یونانی مشترک باشد. در یونانی به صورت semeiotikos نیز به کار رفته است.^۲

Semiotics به معنی دانش نشانه‌شناسی است یا علم نشانه‌ها، فردینان دوسوسور (۱۹۱۳-۱۸۵۷م)، پیرس (c. s. pierce ۱۸۳۹-۱۹۱۴م) از پایه‌گذاران نشانه‌شناسی جدید به شمار می‌روند.^۳ در زبان عربی و همچنین در واژگان قرآنی کلمه آیه از ریشه ayaya به معنی نشانه به کار رفته، شاید یکی از بهترین تعبیرات درباره آیه همان است که راغب اصفهانی در کتاب المفردات فی غریب القرآن آورده است:^۴

آیه علامتی است آشکار، حقیقت آیه مربوط به ظاهر هر چیز است و آن ملازم چیز دیگری است که پنهان است و به ظاهر در نمی‌آید. هر مدرک که نشانه‌ای ظاهری را درک کند در می‌یابد که شیء دیگری را نیز درک کرده است که به ظاهر نمی‌آید و ذات آن را نمی‌داند. گاهی آشنایی با ظاهر و باطن از لحاظ ادراک یکسان می‌شود، یعنی آنکه باطن را یافت، ظاهر را درمی‌یابد و آنکه ظاهر را یافت به باطن پی می‌برد.

در همه محسوسات و معقولات این چنین است. آنکه در پی علم یا نشانه‌ای است برای یافتن راه، چون راهنما را یافت گویی راه را یافته و آنکه چیزی را یافت که ساخته شده است ناچار در پی سازنده آن بر می‌آید.

۱- کلمه آیه ممکن است از «آی» مشتق شده باشد و آیات، متواتر



لأیه للمومنین (سوره حجر، آیه ۷۷) همانا در آن (نشانه‌های رستاخیز) نشانه‌هایی است برای مؤمنان، آیات هم خود دارای مراتب‌اند و همه مردم که خود نشانه‌هایی هستند! برحسب تفاوت معرفت و ادراک، آیات را گوناگون می‌فهمند. بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم و ما یحجد بایاتنا الا الظالمون (سوره عنکبوت، آیه ۴۹) بل که آن آیات‌های آشکاری است در سینه‌های کسانی که به آنان دانش داده شده است، و خیرگی نکنند بر آیت‌های ما مگر ستمگران! و کاین من آیه فی السموات و الارض یمرون علیها و هم عنها معرضون (سوره یوسف آیه ۱۰۵) چه بسا که نشانه‌هایی است در آسمان‌ها و زمین، بر آنها می‌گذرند و ایشان از آنها روی گردانند! گاه نشانه‌ای، نشان دهنده نشانه دیگری است، آن چنانکه در قرآن کریم آمده است: و جعلنا ابن مریم و امه آیه (سوره مؤمنون، آیه ۵۰) ما پسر مریم - عیسی و مادر او - مریم را آیه قرار دادیم! در این آیه باید توجه کرد با اینکه عیسی و مریم دو تن هستند «آیتین» نیامده است و برای هر دو تن «آیه» به کار رفته زیرا یکی نشانه یا نشان دهنده دیگری است. در سوره روم در قرآن کریم، آفرینش انسان از خاک، انتشار انسان در روی زمین، همسر انسان، دوستی و مهربانی، آسمان‌ها و زمین، گوناگونی زبان‌ها و رنگ‌ها، خوابیدن در شب و روز، جست‌وجوی فضیلت، برق آسمان و باران، زنده شدن زمین، برپایی آسمان و زمین... و همه و همه آیات یا نشانه‌های خداوندی هستند.

پس از این خواهیم آورد که تنی چند از زبان شناسان دوره معاصر و یا نشانه شناسان (semilogists) سعی داشتند تا نشانه‌ها را طبقه‌بندی کنند. آیا به گونه واقعی ممکن است قانون‌های حاکم بر نشانه‌ها را کشف کرد، آیا در اصل نشانه‌ها قانون پذیرند؟

اگر قوانین بر نشانه‌ها حاکم باشد، پایایی و مانایی این قوانین تا کی و چگونه است؟ چگونه می‌شود سرعت تغییر و تحول نشانه‌ها را اندازه گرفت؟ آیا تقسیم نشانه‌ها به عینی و ذهنی و صوتی و تصویری و کمی و کیفی درست است؟ نشانه‌ها چگونه تشکیل می‌شوند، چگونه با هم ترکیب می‌شوند، چطور جابه‌جایی و انتقال در میان آنها صورت می‌پذیرد؟

کشف و بیان نظام دلالت (Signification) در نشانه‌ها چگونه ممکن می‌شود؟

هستند و ممکن است آیه‌ای از آیه دیگری به دست آید، درست تر آن است که گوییم مشتق از «تأیی» است که به معنی جایگیری نشانه‌ای است برای نشانه دیگر و یا دلیلی است که بر وجود شی دیگر اقامه می‌شود، آیه می‌تواند به معنای چیزی باشد که در شی دیگری پناه بسته است! در زبان عربی و در لسان قرآنی، آیه، ساختمان‌ی بلند را گویند. در قرآن کریم آمده است:

أتینون بكل ابع آیه تعبثون و تتخذون مصانع لعلکم تخلدون (سوره شعرا، آیه ۱۲۸ و ۱۲۹) آیا بر سر هر راهی ساختمان‌ی می‌سازید که آیت و علامتی باشد بر بزرگی و افتخار شما! در حالی که به آن بنا نیاز نداشته باشید؟ و قصرها و کاخ‌های محکم بر می‌گیرید گویا که در آنها جاوید خواهید بود! عمر کوتاه است و به این کارها وفا بی ندارد! پیامبر - درود خداوند بر او و بر خاندانش - گفته اند: ان کل بناء بنی و بال علی صاحبه یوم القیامة الا ما لا ید منه ۵، هر ساختمان‌ی که ساخته می‌شود، در روز رستاخیز، عذاب و سختی است بر صاحب آن، مگر آن بنایی که ساختنش ضروری باشد!

جمله‌های قرآنی را جمله نگویند و آیه گویند، زیرا هر یک بر حکمی یا معنایی دلالت دارد. آیه‌های قرآنی که خود نشانه‌ای از معارف و احکام الهی است برای خوانندگان و گروندگان نشانه‌های دیگری را ظاهر می‌سازد، آیه در پی آیه! در گفتار خداوند برتر آمده است: ان فی ذلک

در علم، فلسفه، مذهب، عرفان و هنر نشانه‌ها چگونه شکل می‌گیرند؟

آیا در زبان نام، نامیده و نامیدن، اسم، مسما و تسمیه، نشان، نشان‌دار و نشان‌گذاری..... همه می‌توانند با هم برابر باشند یا اینکه در نظام نشانه‌نهادن، همچنین دلالت و تفسیر مناسبت‌های گوناگون در نظر بوده است؟

تمام هستی عبارت از نظام‌های نشانه‌ای نیستند؟

در زبان عربی علامت و علم به معنی نشانه به کار رفته است. در لغت‌نامه‌های عربی عالم را «ما یعلم به» گفته‌اند، یعنی نشانه یا نشانه‌هایی که علم بدان حاصل می‌شود. اگر تقسیم‌بندی هستی، به مطلق (Absolute) و مقید (Concret) درست باشد، آیا در جهان مجردات هم نشانه‌ها وجود دارند؟ آیا بالاترین وجود مطلق یعنی ذات هستی آفرین خود را با نشانه‌ها می‌شناسد؟ یا اینکه ممکن است بدون میانجیگری نشانه‌ها او را ادراک کرد؟

به اعتقاد نگارنده قرآن کریم را می‌توان نخستین کتابی به شمار آورد که واژگانی همچون اسم = نام، آیه = نشانه، تفسیر و تأویل را به کار برده است. منظوم به هیچ وجه این نیست که این اصطلاحات را بر پایه نشانه‌شناسی جدید معنی کنیم، بر اساس اعتقاد کلامی Theology برای دریافت صحت و سقم نشانه‌شناسی جدید، باید اطلاعات مربوط به این مطالعه تازه را به نظام قرآنی عرضه کرد؟ برای کسی که به کتاب الهی اعتقاد دارد، سخن یادشده با معنی است.

به هر حال قرآن را می‌توان نخستین کتاب در نظر آورد که آیات = نشانه‌های خود را بدین گونه تقسیم کرده است: حلال، حرام، فرائض، فضائل، ناسخ، منسوخ، رخص، عزائم، خاص، عام، عبر، امثال، مرسل، محدود، محکم و متشابه.....^۶

مفسران و مؤولان قرآن کریم در بخشی از نشانه‌ها ادراک مشترک دارند، اما به طور کلی در تبیین و تفسیر نشانه‌های مذکور هم به نسبت قائل‌اند و هم خود در ادراک برحسب مراتب معرفت دچار انواعی از نسبیتهای هستند، اما اینکه در فهم نشانه‌های قرآنی درست‌ترین ادراک کدام است؟ بحثی اعتقادی و کلامی و ارزشی را می‌طلبد که در مقامی دیگر قابل طرح است، اما در این مقاله بیشتر به کاری توصیفی می‌پردازیم زیرا که آغاز راه است.

فایده‌های نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی ما را یاری می‌رساند تا متن‌های بسیار مفصل و طولانی را در نظام نشانه‌ها خلاصه کنیم، و از این طریق یادگیری و یاد دادن را آسان‌تر سازیم. پس از تعریفات (Definitions)، بیان اصطلاحات اصلی و فرعی یا به تعبیر تازه، نشانه‌ها، آموزشی منظم و فهمیدنی را میسر می‌کنند.

متون عرفانی

در متون عرفانی اسلامی و ایرانی چه به زبان پارسی یا عربی، متأسفانه ما به کشف انواع نشانه‌ها و تدوین نظام ارتباط میان آنها، نیز نپرداخته‌ایم. شاید ارزش مطالعه دو صفحه از استعاره‌ها و نشانه‌ها و اصطلاحات Terms، ارزشی بیش از مطالعه صدها صفحه پراکنده

بی‌ترتیب، داشته باشد. ابوالحسن هجویری (م - حدود ۴۶۵ ق) آنجا که در جدایی اسامی و صفات حق تعالی یا بندگان سخن می‌راند، آورده است که:

غنا مرحق را نامی است بسزا و خلق مستحق این نام نباشند و فقر مرخلق را نامی است بسزا و برحق آن نام روا نباشد و آنکه به مجاز مر کسی را غنی خوانند نه چنان بود که غنی بر حقیقت بود..... غناء ما به وجود اسباب بود و ما مسبب باشیم..... و وی مسبب الاسباب است. غناء وی را سبب نیست، پس شرکت اندرین صفت باطل بود..... و چون اندر صفت (شرکت خلق با حق) روا نبود اندر اسم هم روا نبود، ماند اینجا تسمیه، و تسمیه نشانی است میان خلق و آن را حدی، پس غناء مرخدای تعالی را آن است کی (که) وی را به هیچ کس و هیچ چیز نیاز نیست.^۷

هجویری در تدوین **کشف المحجوب** خود بدین ضرورت توجه داشته است و بر سبیل اختصار حدود اصطلاحات استعاری عارفان را چنین آورده:

نوع آخر (دیگر) این حدود عبارتی است که استعارت پذیرد در کلام ایشان..... و من بر سبیل اختصار بیان این نوع بکنم ان شاء الله تعالی، الحق = خداوند، الخطرات = آنچه بردل گذرد از احکام طریقت، الوطنات = آنچه اندر سیر متوطن بود از معانی الهی، الطمس = نفی عینی باشد که اثر آن نماند، الرمس = نفی عینی باشد با اثر آن، العلائق = اسبابی که طالبان تعلق بدان کنند و از مراد باز مانند، الوسائط = اسبابی که به تعلق کردن آن به مراد رسند، الزوائد = زیادت انوار باشد به دل، الفوائد = ادراک سر مر لاید خود را، الملیج = اعتماد دل به حصول مراد آن، المنجأ خلاص یافتن دل از محل آفت، الکلیه = استغراق اوصاف آدمیت به کلیت، اللوائح = اثبات نور بازودی نفی آن، اللوامع اظهار نور بر دل یا بقاء فواید آن، الطلوع = طلوع انوار معارف بردل، الطوارق = واردی به دل به بشارت یا به زجر اندر مناجات شب.....^۸

الجوهر = اصل چیز آنک به خود قائم بود، العرض = آنک به جوهر قائم بود، الجسم = آن که مولف بود از اجزاء پراکنده، السؤال = طلب کردن حقیقی بود، الجواب = خبر دادن از مضمون سؤال، الحسن = آنک موافق امر بود، القبیح = آنک مخالف امر بود، السفه = ترک امر بود، الظلم = نهادن چیزی به جایی که نه جای آن بود و در خور آن، العدل = نهادن هر چیزی به جای خود،.....^۸

به همین ترتیب هجویری حدود الفاظی را که طالبان طریقت بدان نیازمندند بر سبیل اختصار نقل می‌کند و اصطلاحات را نیازمند شرح می‌داند، نکته‌ای را که می‌توان در متون علم و ادب همواره کشف کرد این است که از شرح‌ها و تعبیرهای مفصل اصطلاحات و نشانه‌های مختصر می‌زاید و نشانه‌های اختصاری همواره نیازمند شرح و تفسیر جدید هستند، شاید بتوانیم این سیر را در تصویر زیر نشان دهیم:

به این ترتیب می‌توان حدس زد که نشانه‌ها به طور دائمی در حال انبساط (Expansion) و انقباض (Contractile) هستند.

تئوری نشانه‌ها و کاربرد آن در ادبیات در نقد و سبک‌شناسی ما را مدد می‌رساند. نه تنها در ادبیات بلکه در همه هنرها می‌توانیم با استفاده

از نشانه‌شناسی به نقد و تحلیل بپردازیم.

میک بال^۹ استاد تئوری ادبیات در دانشگاه آمستردام گفته است: بیست سال پیش اگر شما می‌خواستید پایگاه تئوری ادبی را بشناسید می‌گفتم مطالعات نشانه‌شناسی، تعقیب نشانه‌ها اثر جانائاتان کالر بهترین راه برای شناخت است! امروز نیز اگر همان پرسش مطرح شود پاسخ همین است.^{۱۰}

برای روشن شدن موضوع با توجه به کیفیت‌های گوناگون در آب سدها یا آب دریاها از طریق نصب شاخص‌ها و ارتباط آنها با آمپرهای یا عقربه‌های متحرک می‌توانیم میزان سردی و گرمی، ازدیاد و نقصان و طغیان، میزان تاثیر باد در ایجاد و سرعت امواج، حرکت یا مهاجرت دسته‌جمعی موجودات آبی، میزان غلظت و رقت آب، وجود مواد معدنی گوناگون... را مشخص کنیم. نصب نشانه‌ها در حد اعجاز ما را در شناخت و در تبدیل کیفیت به کمیت مدد می‌رساند. تصویر زیر تاحدودی ما را مدد می‌دهد.^{۱۱}

واکنش‌های لازم	وضعیت آب	نشانه‌های راهنما
تغلیب آب	طغیان در سطح خطر	AB
آماده برای دفع خطر	اعلام خطر در سطح آب	BC
وضعیت سکون و آرامش	آب در سطح آرامش و امنیت	CD
تأمین آب	کمبود آب و پایین بودن سطح	AD

به همین ترتیب دیگر مختصه‌های آب سد یا بخشی از دریا را می‌توان از طریق نشانه‌های راهنما به دست آورد.

در نقد و شناخت متن‌های ادبی نشانه‌شناسی مربوط می‌شود به ساماندهی دستگاه دلالت^{۱۲} و نشانه‌ها^{۱۳} و همچنین شناخت قراردادهای زبانی و ادبی که به موجب آنها می‌توانیم متنی را بخوانیم و درک کنیم.^{۱۴}

واژگان^{۱۵} آشنا هستند اما ما با مفاهیم^{۱۶} و پیوندهای آنها بیگانه‌ایم. پیوند نشانه‌ها را در ادبیات از لحاظ دلالت^{۱۷} می‌توان بررسی کرد.

برپایه یک نگرش می‌توانیم تمامی دال‌ها و مدلول‌ها^{۱۸} را در بخش‌بندی زیر بیاوریم: اگر بخواهیم پیوندی میان دال و مدلول و ثابت و متغییر برقرار کنیم ترتیب چنین خواهد بود:

۱. دال ثابت مدلول ثابت
۲. دال متغیر مدلول ثابت
۳. دال ثابت مدلول متغیر
۴. دال متغیر مدلول متغیر

۱- دال ثابت و مدلول ثابت مربوط به نظام نشانه‌ها در جامعه‌های ثابت و یا عقب افتاده است. البته هرگونه نظام دال و مدلول ثابت مربوط به عقب ماندگی نیست. در مباحث حقوق، علم کلام و سنت‌های ثابت اجتماعی با نظام دال و مدلول ثابت مواجه هستیم.

۲- دال متغیر و مدلول ثابت را می‌توان به عنوان نمونه در چند زبان یا چند لهجه جست‌وجو کرد. اگر در جهان بیش از دو هزار و پانصد زبان

وجود داشته باشد ممکن است بیش از همین رقم دال برای ماه یا خورشید و یا نور به کار رود، در لهجه‌ها و یا گویش‌های یک زبان نیز برای یک مدلول دال‌های گوناگون وجود دارد.

محمد جلال‌الدین بلخی در کتاب **مثنوی** داستان منازعت چهار کس را آورده است که انگور می‌خواستند ولی هیچ یک از آنان سخن دیگری را فهم نمی‌کرد:

چهار کس را داد مردی یک درم

آن یکی گفت این به انگوری دهم

آن یکی دیگر عرب بد گفت لا

من عنب خواهم نه انگور ای دغا

آن یکی ترکی بدو گفت این بنم

من نمی‌خواهم عنب خواهم ازم

آن یکی رومی به گفت این قیل را

ترک کن خواهیم استافیل را

در تنازع آن نفر جنگی شدند

که ز سر نام‌ها غافل بندند^{۱۹}

هر چهار تن یک چیز می‌خواستند اما با چهار نشانه یا دال‌های گوناگون منظور یکدیگر را درک نمی‌کردند! به هر حال گذشته از ادامه و نتیجه داستان نکته مهم این است در چهار زبان فارسی، ترکی، عربی و رومی برای یک مدلول چهار دال می‌یابیم که همان انگور است.

۳. دال ثابت و مدلول متغیر مربوط می‌شود به توسعه یک دال یا یک

نشانه که در پی گذشت زمان و به مناسبت‌های گوناگون یا در زبان و یا در زبان و ادب هر دو به مدلول‌های گوناگون دلالت دارد. اگر به واژه لال، لاله و لعل مراجعه کنیم با اینکه هر سه یک واژه هستند، به علت ظرفیت فوق‌العاده شکل و محتوای مدلول، معانی گوناگونی را دربر گرفته‌اند. در فرهنگ فارسی معین و لغت‌نامه دهخدا و دیگر فرهنگ‌ها بیش از یک صد و سی معنی و ترکیب از این واژه مشتق شده است. گل بودن، رنگ سرخ، تک خال‌های سیاه، شکل ظاهری، نازکی برگ‌ها و لطافت این گل شگفت‌آور در ساختن معانی از ترکیبات و افعال گوی سبقت را از دیگر گل‌ها ربوده و در حوزه‌های بسیار عالی مدلول‌ها مثل صحنه‌های شهادت، احجار کریمه، عشق، شراب و معشوق راه یافته است. جای آن است که یک رمان مستقل درباره آن نوشته شود.

۴. دال متغیر و مدلول متغیر در ابتدا این سؤال را پیش می‌آورد که

مگر می‌شود دال و مدلول هر دو متغیر باشند، اگر چنین اتفاقی رخ دهد هیچ‌گونه دلالتی برقرار نمی‌شود؟ این سخن درست است اما گاهی ضریب سرعت تحول دال و مدلول متفاوت است. برای نمونه می‌توانیم کلمه خور و خورشید را در نظر آوریم. این نشانه در اوستایی hvar، در پهلوی xvar shet (خورشید) در هندی باستان svar در کروی xor و hur در آستی xor، xor در شغنی xer و xir در طبری xur، مازندرانی کنونی xer، xor در اوستا هوره و هورشته هم به معنی قرص خورشید است و کره آفتاب و هم از آن فرشته‌ای اراده شده است. به مناسبت نام فرشته مزبور روز یازدهم هر ماه، خورشید، خور یا خیر نامیده می‌شود. بیرونی

در فهرست روزهای ایرانی این روز را خور و در سغدی خویر و در خوارزمی، اخیر، یاد کرده است. واژه خورشید همچنین به ضم اول و واو معدوله از خور + شید پدید آمده است. در اوستا hvara xshaeta و در پهلوی xvarshet، در لغت به معنی آفتاب درخشان آمده است. ۲۰

آن چنانکه می‌بینیم، کلمه هفت هجایی اوستایی خوره خشیتا به صورت دو هجایی خورشید، یا یک هجایی خور، هور، و یا شید در آمده است. این تحول در بیکره نشانه است. خورشید چون دارای نور و حرارت بوده در هر یک از دستگاه‌های تشبیه، استعاره و نماد به‌ویژه در عرفان و اشراق کاربرد فراوانی داشته است.

توضیح دیگری که درباره تغییر دال و مدلول می‌توان آورد مربوط است به نشانه‌ها یا دال‌ها و مدلول‌های جدید. امروزه به واسطه توسعه نظام شهرنشینی و ایجاد روابط بین‌المللی از طریق رادیو، تلویزیون، کامپیوتر و به طور کلی از سوی سازمان‌های وسیع کشوری و لشکری تولید نشانه‌ها رقم کمی بالایی را به خود اختصاص داده است.

اگر دال و مدلول متغیر را به این معنی در باییم که دال و مدلول معینی دائماً در حال دگرگونی هستند طبیعی است که رابطه‌ای میان آن دو به وجود نخواهد آمد و دلالت صورت نمی‌پذیرد. از جهتی می‌توانیم دال و مدلول متغیر را از دیدگاه مخاطب یا خواننده در نظر آوریم. یک دال یا برای مثال یک کلمه ممکن است در یک زبان و یا یک نشانه در یک متن به لهجه‌های گوناگون و به قرائت‌های مختلف خواننده یا دریافت شود و معانی و تفسیرهای متفاوت از آن در نظر آید. اگر جوهر اشیاء را در نظر آوریم و حرکت جوهری اشیاء را بپذیریم، در یک طرح کلی همه دال‌ها و مدلول‌ها به طور دائم در تغییر و حرکت‌اند، چون درک این تغییر برای مخاطب، نسبی است، دلالت ثابت به نظر می‌آید. محمد جلال‌الدین مولوی در مثنوی ارتباط لفظ و معنی و تحول همه نشانه‌های عالم را این گونه توضیح می‌دهد:

صورت از معنی چوشیر از بیشه دان
یا چو آواز و سخن ز اندیشه دان
این سخن و آواز از اندیشه خاست
تو ندانی بحر اندیشه کجاست
لیک چون موج سخن دبدی لطیف
بحر آن دانی که باشد هم شریف
چون ز دانش موج اندیشه بتاخت
از سخن و آواز او صورت بساخت
از سخن صورت بزاد و باز مرد
صورت از بی صورتی آمد برون
پس تو را هر لحظه مرگ و رجعتی است!
مصطفی فرمود دنیا ساعتی است!
فکر ما تیر یست از هو در هوا!
در هوا کی پاید؟ آید تا خدا
هر نفس نو می‌شود دنیا و ما
بی‌خبر از نو شدن اندر بقا

عمر هم چون جوی نو تو می‌رسد
مستمری می‌نماید در جسد
آن ز تیزی مستمر شکل آمده است
چون شرر کش تیز جنبانی به دست
شاخ آتش را بجنبانی بساز
در نظر آتش نماید بس دراز
این درازی مدت از تیزی صنع
می‌نماید سرعت انگیزی صنع ۲۱

بر اساس یک نظام فلسفی - عرفانی شرقی و اسلامی و ایرانی در جهان خلق همه چیز از جمله دال و مدلول در حرکت و تغییر است و اگر رابطه‌ای میان دال و مدلول ثابت به نظر می‌آید مربوط به عدم تیزی حواس و ابزارهای ادراکی انسان است!

اگر فلسفه ایجاد و انعدام و خلع و لبس دائم را بپذیریم، می‌توانیم آن را به نشانه‌های زبان هم تعمیم دهیم. خداوند در قرآن کریم فرموده است: افعینا بالخلق الاول بل هم فی لبس من خلق جدید (سوره ۵۰ آیه ۱۵) آیا ما از آفرینش نخستین خسته شدیم؟ کسانی این چنین پندارند که از آفرینش تازه در تردید و اشتباه به سر می‌برند!

به کل من علیها فان بیان کرد

لفی خلق جدید هم عیان کرد

هر چه غیر حق است همه فانی و عدم است و اطلاق بقا بر ایشان به واسطه تجلی فیض رحمانی است به صورت ایشان که به حسب اقتضای ذاتی خود نیست می‌گردند و به امداد وجودی، هست می‌شوند. عرفا و ارباب تأویل می‌فرمایند که منظور از آیه مذکور آن است که جمیع ممکنات به سبب امکانیت در هر طرفه العین نیست می‌گردند و به تجدد فیض رحمانی لباس وجود می‌پوشند و به امداد وجودی به صورت خلق جدید ظاهر می‌گردند و از غایت سرعت انقضا و تجدد، ایشان، انعدام و ایجاد دائمی در نمی‌یابند! ۲۲

بر اساس این نظریه قرآنی و عرفانی همه چیز دائماً در حال انعدام و ایجاد و یا خلع و لبس است و نشانه‌های زبانی هم که مهم‌ترین پدیده هستی است از این امر مستثنی نیست.

مسئله ساختار شکنی ۲۳ در دوران معاصر از دهه ۱۹۶۰ نه تنها در نقد ادبی و هنری مورد توجه قرار گرفت بلکه فرایندی بود که در مفاهیم و ادراکات مطرح شد.

وظیفه ساختار شکنان این بود که به تضادهای درونی توجه کنند به این طریق: همان اصولی که موجب تضعیف و شکست مفاهیم می‌شود زمینه‌ساز و پشتیبان آنها نیز خواهند بود. ژاک دریدا ۲۴ در مجموعه‌ای از مقاله‌های خود به این رویکرد فلسفی توجه کرد: درباره مطالعه روش علمی نگارش ۱۹۶۷، نگارش و دگرگونی ۱۹۸۷، ۲۶، گفتار و پدیده ۲۷، همچنین درباره تئوری نشانه‌شناسی هوسرل ۲۸ کتاب و مقاله به نگارش آورد. نظریه‌های دریدا از جهتی در تقابل با آراء فریدینان دو سوسور (۱۸۵۷ - ۱۹۱۳) زبان‌شناس معروف سوییسی، تدوین گردید. رابطه پایداری که سوسور میان دال و مدلول قایل بود از نظر دریدا در تردید قرار

گرفت. ۲۹. دو نظریه مهم در باره آراء درینا ابراز شده است: طرفداران درینا معتقدند: انگیزه ساختار شکنی صرفاً این نیست که نشان دهد قوانین اندیشه از لحاظ فلسفی ناقص اند، برعکس گرایش آشکار آثار درینا دلبستگی ۳۰ به منشا اثر بودن و گسترش قلمرو فلسفه برای تداوم خلاقیت و ابداع آن است. مخالفان درینا درباره ناپایداری رابطه دال و مدلول در نظریه‌های درینا، نوعی شکاکیت (Scepticism) تمام عیار را مطرح کرده‌اند که به نوعی همان نقد نوی قدیمی است! ۳۱ بنابراین درمی‌یابیم که نقد موافق و مخالف درباره نظریه ساختار شکنی درینا، میان خلاقیت و نوآوری و یا تخریب و شکاکیت در نوسان است. ساخت‌گرایی و ساخت‌شکنی ممکن است در کشورهای اروپای غربی و یا در آمریکای شمالی نوعی تفنن و تکامل در نقد و فلسفه به شمار آید

نشانه‌های ادبی

با توجه به آنچه توضیح دادیم به یک سؤال اساسی باید بپردازیم و آن این است که چگونه می‌توانیم میان دانش نشانه‌شناسی و متن ادبی برای شناخت و نقد پیوند ایجاد کنیم؟ آیا واقعاً می‌توانیم با همان روش‌هایی که طبیعت را مطالعه می‌کنیم و قوانین حاکم بر آن را کشف می‌کنیم، به بررسی ادبیات بپردازیم؟ آیا نشانه‌شناسی ادبی و هنری می‌تواند به صورت یک علم در جهان عرضه شود؟ آیا می‌توان قوانینی کشف کرد که بر همه نشانه‌ها حاکم باشد؟ آیا نشانه‌شناسی یک مقوله فلسفی است یا علمی؟ مکتب‌های فکری ۳۲ تا چه حد می‌توانند به این سؤال‌ها پاسخ دهند؟

برای اینکه بحث بسیار گسترده نشود از دو مقوله علم و هنر به هنر و از آن به ادبیات توجه می‌کنیم. درباره ادبیات شاید بتوانیم به سه موضوع اساسی توجه کنیم:

۱- پدیدآورندگان یا مولدان ادبیات

۲- حافظان یا راویان ادبیات

۳- محققان و نقادان ادبی

تولید، تحفیظ و تحقیق ادبی خلاصه سه موضوع مذکور است. در بخش مربوط به تولید ادبی طبعاً باید از مکتب‌ها و سبک‌های ادبی نام ببریم که آثار ادبی در درون آنها به وجود می‌آیند. به عنوان مثال در ادبیات فارسی شاید بتوانیم مکتب‌ها و سبک‌های تولید ادبیات را بدین ترتیب بیاوریم:

- مکتب مشائی همراه با سبک خراسانی.

- مکتب اشراقی همراه با سبک عراقی.

- مکتب تصوف و عرفان محض ابن عربی و دنباله سبک عراقی.

- مکتب تلیفی صدرالدین شیرازی و سبک هند و ایرانی.

- ادامه و شرح مکتب‌های فلسفی پس از صدرالدین و دوران

بازگشت ادبی.

- مکتب‌های علمی و فلسفی جدید و ترجمه و رواج سبک‌های

آمیخته و جدید.

ممکن است واژگان یا اصطلاحاتی چون: مشائی، اشراقی، عرفانی، صوفیانه، خراسانی، عراقی، هندی یا هندو ایرانی، بازگشت... و دیگر مکتب‌ها و سبک‌ها را بتوانیم به عنوان نشانه‌هایی به شمار آوریم که همه آثار و انواع ادبی را در خود جای می‌دهند. در ادبیات اروپایی گاهی نشانه‌های مکتب (school) یا سبک (style) به هم آمیخته می‌شوند و برای واژه‌های چون کلاسیک، هم مکتب کلاسیک و هم سبک کلاسیک گفته می‌شود. در ادبیات فارسی منظور ما از مکتب، مکتب‌های فلسفی و عرفانی و یا فلسفی - عرفانی است که به عنوان پشتوانه‌های سبک‌ها و تولیدات ادبی تلقی می‌شوند. این موضوع دست کم برای آن دسته از شاعران و نویسندگانی که از مکتب فلسفی و عرفانی برخوردارند صدق می‌کند.

در ادبیات اروپایی مفهوم سبک و مکتب آن چنان در هم ادغام شده‌اند که تفکیک آن دو از یکدیگر مشکل است، اما محقق ادبی یا نقاد می‌تواند در تحلیل آثار ادبی آن دو را از هم تفکیک کند. در ادبیات اروپایی واژه مکتب یا school برای آن دسته از نویسندگانی به کار می‌رود که از نوعی وحدت فکری رایج برخوردارند و همگی با اصولی توافق دارند



اما باید در نظر داشته باشیم که جریان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در غرب هیچ‌گاه در حفظ و تداوم برتری نسبت به سرزمین‌های آسیایی و آفریقایی کوچک‌ترین تردیدی ندارند و در هنگام لزوم با تحریم اقتصادی و یا یورش‌های نظامی تمامی رابطه‌های دال و مدلولی خود را به پایداری یا تثبیت می‌کشاند! ما به عنوان کشورهای در حال توسعه در برخورد با ساخت‌گرایی و ساخت‌شکنی، کمال هوشمندی و درایت را باید به کار ببریم و پیوسته توجه داشته باشیم که در برخورد با دو شیوه فکری یاد شده، پایداری رابطه دال و مدلول را همراه با خلاقیت و نوآوری بپذیریم و از شکاکیت و سفسطه دوری بگزینیم!

زیرا ترویج شکاکیت اگر در کشورهای پیشرفته به گونه‌ای مهار شده، نوعی تفنن به شمار آید، در کشورهای در حال توسعه و در میان نوجویان آسیایی و آفریقایی ممکن است نوعی تثبیت در عقب‌ماندگی را موجب شود!

یکدیگر متمایز باشند. اما روزه این دو به جای هم به کار می‌روند و جایگزین یکدیگر می‌شوند. زمانی کاربرد semiology در انگلستان ترجیح داشت، شاید به این دلیل که نظریه‌پردازان فرانسوی واژه semiologie را برتر می‌نهادند، از سوی دیگر اصطلاح semiotics در آمریکای شمالی رایج تر است.

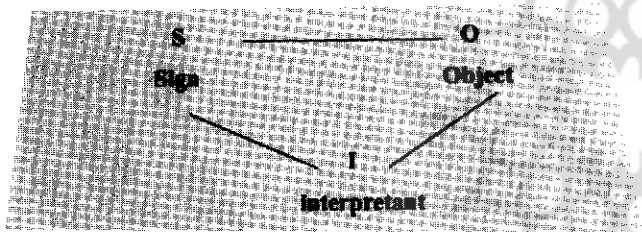
۳- اکنون واژه آخری در هر دو کشور به کار می‌رود. هر دو اصطلاح از واژه یونانی semeion به معنی نشانه یا sign مشتق شده‌اند. بحث‌های سوسور در زمینه نشانه‌شناسی جنبه همگانی داشت و از لحاظ نفوذ نشانه‌شناسی در دانش‌های دیگر هم چون روان‌شناسی اجتماعی، از چشم‌انداز در آینده برخوردار بود، اما از لحاظ قلمرو کار، نظریه‌های پیرس جزئی‌نگرتر و جامع‌تر به نظر می‌رسد. او سعی داشت تا نظامی کامل، منسجم و روشمند در باره نشانه‌ها در سه بخش بدین ترتیب ارائه دهد:

الف - تقسیم بندی نشانه‌ها (signs)

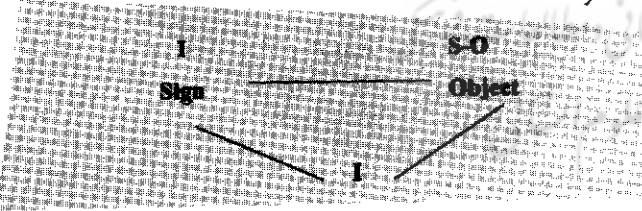
ب - بخش بندی انواع دلالت (significations)

ج - انواع تفسیرها و تاویل‌ها (Interpretations)

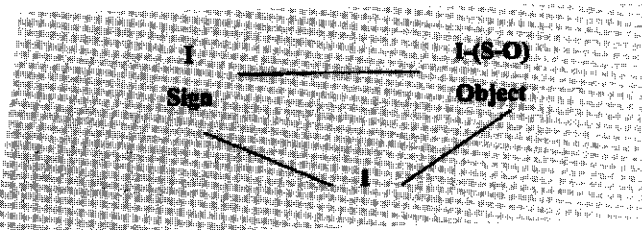
پیرس، نشانه، موضوع نشانه و تفسیر آن را در مثلی بدین شکل قرار داد.



رابطه میان نشانه و موضوع آن، خود موضوع تازه‌ای می‌شود برای تفسیر. این کتاب را دوست عزیزم جناب آقای دکتر کورش صفوی ترجمه کرده‌اند.^{۴۱}



این سیر به گونه‌ای بی پایان ادامه می‌یابد.



همچنین پیرس جنولی با ۹ خانه به شکل زیر ترتیب داد و با تقسیم‌های سه گانه خود میان نشانه‌ها، دلالت و تفسیر و تاویل آنها رابطه برقرار کرد. این تفسیر نشانه‌ها و ارجاع نشانه‌ای به نشانه دیگر بی پایان ادامه می‌یابد.

جنول پیرس ۴۲ دارای ۹ خانه است. در ردیف افقی یکم نشانه‌ها را به کیفی، واقعی و قانونی تقسیم کرده است. نشانه کیفی می‌تواند هر

که آثارشان بر اساس آنها پدید آمده است. گاهی هم اصول توافق شده به عنوان بیانیه یا مانیفست (Manifesto) منتشر می‌شود. مکتب، ممکن است از لحاظ نفوذ و توسعه چندین کشور را در بر بگیرد. مکتب‌ها معمولاً عمر کوتاهی دارند، اما تأثیرشان برای سال‌ها باقی می‌ماند، به ویژه اگر اصول ادبی از یک ماهیت انقلابی نشأت یافته باشند. معروف‌ترین مکتب‌های ادبی عبارت‌اند از: پلثیاد^{۳۳}، گوتینگردیکتربوند^{۳۴}، مکتب پیش از رافائیل^{۳۵} مکتب پاراناس^{۳۶}، مکتب اسپنسر^{۳۷} و گروه بلومز بوری^{۳۸}.

سبک یا style به روش و ویژگی‌های گفتار یا نوشتار در نظم و یا نثر مربوط می‌شود. در واقع سبک بررسی این است که نویسنده چگونه می‌گوید و می‌نویسد.

تجزیه و تحلیل و ارزشیابی سبک یک اثر مربوط به این است که نویسنده چگونه واژگان را انتخاب می‌کند و چگونه گفتار یا نوشتار خود را برجسته می‌سازد؟ از صنایع ادبی بهره می‌برد یا ساده می‌نویسد؟ آیا روش نگارش او آزاد است یا از مختصات سبکی یک دوره استفاده می‌کند؟ سبک در واقع لحن و صدای نویسنده است. آن چنانکه خندیدن و راه رفتن نویسنده مخصوص به خود اوست دست نوشته وی نیز همین حالت را دارد. سبک آن چنانکه بوفون (۱۷۸۸-۱۷۰۷) نویسنده طبیعت‌گرای فرانسوی می‌گوید: خود انسان است! سبک یک نویسنده را می‌توانیم به یک دوره نسبت بدهیم یا به یک نویسنده، مثلاً می‌گوییم به سبک خراسانی نوشت یا به سبک سعدی یا حافظ، شعر سرود. عالی، متوسط، ساده و پست نیز سه اصطلاح به شمار می‌آیند که سبک بدانها تعلق می‌یابد. اصطلاحات دیگری همچون: علمی، مصنوع و مشروح، خلاصه و کوتاه، عاطفی، ارجاعی، مطبوعاتی، ادبی، نیز می‌توانند مشخص کننده سبک یک اثر باشند.^{۳۹}

در برخورد با پدیده‌های ادبی و در ارتباط با دانش نشانه‌شناسی چند موضوع را باید در نظر بگیریم:

الف: روایت ادبیات (قرائت)، روایه‌های ادب

ب: حفظ کردن آثار ادب (حافظه)، تحفیظ‌الادب

ج: تولید آثار ادبی، تولید‌الادب

د: تحقیق در آثار ادبی (سبک‌شناسی و نقد)، تحقیق‌الادب

ه: آموزش آثار ادبی، تعلیم‌الادب

۱- در تقسیم بندی نشانه‌های ادبی یا هنری می‌توانیم از نظریه‌های

چارلز سندرز پیرس (۱۸۳۹-۱۹۱۴) و فردینان دو سوسور بحث کنیم. اصطلاح semiotic نشانه‌شناسی را پیرس در اواخر قرن نوزدهم معرفی کرد. سوسور نیز به نوبه خود اصطلاح semiology را به کار برد و در کتاب درس‌های زبان‌شناسی همگانی^{۴۰} کاربرد این واژه را به ویژه برای جستار در روان‌شناسی اجتماعی ضروری دانست. سوسور بر این باور بود با در نظر گرفتن ساختار نشانه‌های آوایی الگوی همه نشانه‌ها ساخته می‌شود! و نیز می‌توان نشانه‌شناسی همگانی را به روان‌شناسی اجتماعی تعمیم داد.

این باورها، خشم ژاک دریدا صاحب نظر معروف فرانسوی را برانگیخت به گونه‌ای که گام‌های سوسور را در آن مسیر توجیه ناپذیر می‌دانست.

۲- اگرچه در آغاز سعی بر این بود که semiology و semiotics از

سوم	دوم	یکم	
یک قانون کلی نشانه ای که نشان دهنده یک قانون است Legisign	یک وجود واقعی و محسوس نشانه کمی Sinsign	کیفیت معنی نشانه کبھی Qualisign	یکم نشانه Sign
ارتباط نشانه با نوع تفسیر نماد Symbol	بعضی مشخصات که در نشانه است نوعی دلالت لغوی نمایه Index	بعضی مشخصات که در خود نشانه است و با مصادیق یکی است شمایل Icon	دوم رابطه نشانه با موضوع یا مصادیق دلالت Signification
دلیل	والصحت	امکان - خبر	تفسیر یک نشانه نوع
استدلال Argument	Reason Dicent sign	Possibility Rheme	سوم آن را متضمن می کنند Interpretant

تضمن دلالتی است که در آن نشانه بر جزئی از موضوع یا مصادیق دلالت کند. مانند دلالت جسم بر انسان یا دلالت دیوار بر خانه.

دلالت رمزی به تفسیرهای گوناگون نیاز دارد. نشانه‌ای که یک تشبیه و یا یک استعاره است از روی قرینه‌های گوناگون و موجود، مصادیق را نشان می‌دهد، اما در دلالت رمزی قرینه‌ای برای درک وجود ندارد و مخاطب می‌تواند رابطه نشانه با مصادیق را به گونه‌های مختلف تفسیر و تعبیر کند و مصادیق‌های متعددی برای آن بیابد. مانند اینکه بگویم نیلوفر و منظورمان، پاک، رویش، طراوت، سبزی، زایش، صفا... و غیره و غیره باشد.

۳- ردیف سوم افعی از جدول پیرس مربوط به تفسیر نشانه یا تفسیر دلالت است، در ضمن چگونگی تفسیر نشانه، نوع نشانه را نیز می‌تواند معین کند.

Rheme این واژه از ریشه یونانی rhema به معنی گفتار، گفت‌وگو یا کلمه است، همچنین در یونان rhematikos به مجموعه اطلاعات مربوط به یک کلمه اطلاق می‌شود. یک نشانه کیفی یا یک نشانه نمادی ممکن است به شکل‌های گوناگون تفسیر شود، Possibility مجموعه امکانات تفسیری برای دو نشانه یادشده است. Rheme به معنی خبر نیز به کار رفته است که احتمال صلق و کذب دارد.

Dicent sign یک نشانه واقعی، موجود و محسوس است که در زمان و مکان یا در یک جسم شکل می‌گیرد. این نشانه ممکن است کیفیتی باشد که مثلاً به صورت عرض در یک جوهر شکل گرفته باشد مثل

نوع نشانه چونی (Qualisign) را در برگیرد، مثل حالات روانی، کیفیت رنگ‌ها و طعم غذاها... نشانه کمی یا sinsign یک وجود واقعی محسوس است که در زمان و مکان تحقق می‌یابد. نشانه سوم یک قانون یا قرارداد است. این قانون هر نوعی را دربر می‌گیرد:

قانون‌های قراردادی و قانون‌هایی که در طبیعت کشف شده‌اند. ردیف دوم افعی مربوط به انواع دلالت نشانه بر موضوع یا مصادیق آن است:

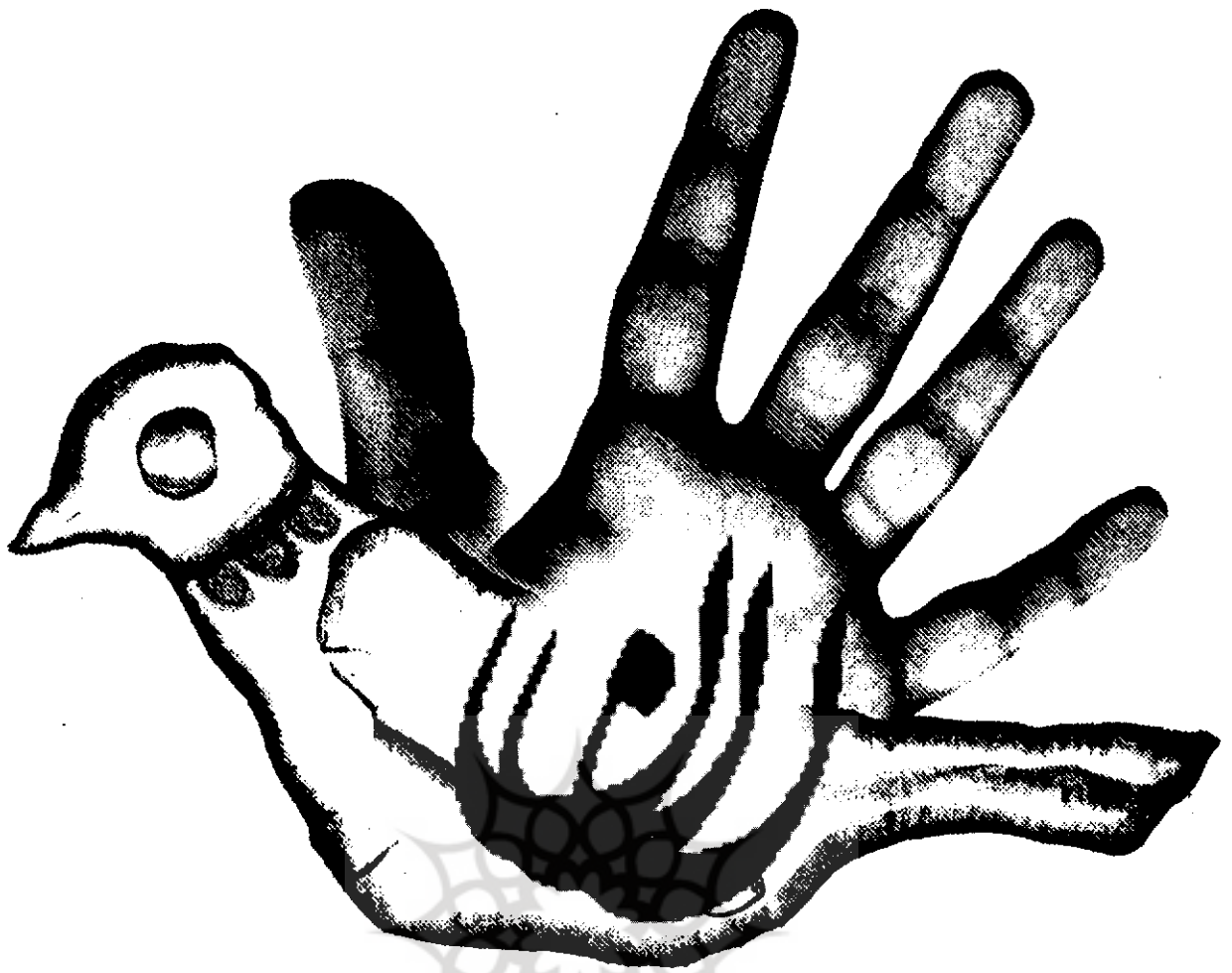
شمایل Icon نشانه‌ای است که در واقع آینه تمام نمای مصادیق موضوع خود است. مانند یک مجسمه کامل یا تصویر چند بعدی در آینه. (دلالت کل بر کل)، یا نقشه جغرافیایی یک شهر یا یک کشور.

نمایه (Index) نشان دهنده پارهای از مشخصات موضوع یا مصادیق خویش است (دلالت جزء بر کل)

نماد (Symbol) دلالت رمزی یا تفسیری است (دلالت سری)
۱- به نظر نگارنده اصل نشانه‌ها در نظر پیرس به کیفی، کمی و قانونی یا قراردادی تقسیم شده است.

۲- دلالت از نظر پیرس به سه نوع شمایی، نمایه ای و نمادی بخش پذیر است.

این سه نوع دلالت را از لحاظ منطق صوری می‌توانیم با دلالت‌های مطابقه، تضمین و رمزی تطبیق دهیم^{۴۳}.
دلالت مطابقه از لحاظ منطقی آن است که مثلاً نشانه زبانی «خانه» بر کل خانه و نشانه انسان بر کل انسان دلالت کند.



نشانه ما را از جزء موضوع به کل موضوع برساند، دلالت التزام در جدول فراموش شده است، با این توضیح که مثلاً دیوار خانه کسی خراب شود و صاحب خانه بگوید: خانه ام خراب شد یعنی برخلاف دلالت تضمن یا Index که از جزء به کل می‌رساند، از کل به جزء برسیم.

به هر حال بر جدول سه عنصری و نه خانه‌ای پیرس انتقادات فراوانی وارد است، اما همین که در راه شناخت نشانه‌ها، انواع مهم آنها، انواع دلالت و تفسیر نهایت کوشش خود را به کار بسته شایسته تقدیر است در تطبیق جدول پیرس با انواع ادبی و انواع نشانه‌های ادبی در ادبیات فارسی مقاله‌ای دیگر لازم است که در حوالتی دیگر تقدیم خواهیم کرد. نقد جدول پیرس به گونه دقیق و تطبیق و کاربرد آن با نشانه‌های ادبی، طرح وسیعی در ذهن نگارنده ایجاد کرده است که ان شاء الله مطرح خواهد شد، همچنین در تقسیم بندی انواع نشانه‌های ادبی کوشش خواهیم کرد.

تاکنون آنچه عرضه داشتیم در اندازه یک مقاله کافی به نظر می‌رسد.

نتیجه

طرح دانش نشانه‌شناسی، بررسی کوتاهی از سوابق در قرآن کریم و واژگان فارسی، بحثی کوتاه از کشف المحجوب، این دانش به طور ضمنی در متون قدیم فارسی و عربی به کار گرفته شده بوده است. دانش نشانه‌شناسی ما را در بررسی آثار ادبی ممد می‌رساند. تقسیم‌بندی نشانه‌ها می‌تواند حجم انبوهی از آثار ادبی را در خود جای دهد. برای

کیفیت خنده در چهره انسان یا سرخی در گل.

Argument نوعی تفسیر استدلالی است که به صورت استقراء یا قیاس مثلاً قانونی کشف می‌شود. در تفسیر یک وجود واقعی یا یک نشانه کیفی نیز ممکن است تفسیر استدلالی به کار رود. امبرتو اکو در نقد جدول پیرس درباره دلالت شمایی یا Iconic چندین نکته را هشدار می‌دهد:

۱- اینکه دلالت شمایی را میان نشانه و موضوع دلالت کاملاً مطابقت بدانیم.

۲- اینکه شمایل را شبیه موضوع خود بدانیم.

۳- اینکه شمایل را از پاره‌ای جهات همانند موضوع در نظر آوریم.

۴- اینکه شمایل نسبت به موضوع خود تنها انگیزه‌ای ایجاد کند یا انگیزشی باشد به سوی موضوع خود. ۴۴

اکو معتقد است نشانگی نامحدود - که چه بسا اصیل‌ترین خدمت پیرس به نشانه‌شناسی باشد، به این معنی است که نشانه باید از طریق تفسیرکننده قابل برگردان به نشانه‌های دیگر باشد، اما پیداست که اگر نشانه شمایی (Iconic) به دلیل مطابقت کامل با موضوع خود از نشانه‌های دیگر متمایز باشد اصل نشانگی نامحدود به خطر خواهد افتاد. ۴۵

نکته دیگری که درباره جدول پیرس به نظر می‌رسد این است که چرا پیرس، دلالت را به سه نوع تقسیم کرده است. اگر دلالت Iconic برابر با دلالت مطابقت باشد و دلالت Index معادل دلالت تضمن، یعنی

سبک‌شناسی و نقد ادبی و تحقیق در متون ادبی یا تقسیم‌بندی نشانه‌ها و بررسی تحول آنها راه جدیدی در پژوهش ادبی و هنری شناخته خواهد شد.

پانویست‌ها:

* عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۱- اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۳

۲- تبریزی، محمد حسین بن خلف، برهان قاطع، ص ۲۱۴۳، تعلیقات ص ۲۵۷.

3- Random House Dictionary, p, 1743.

4- Cuddon, J. A, literary Terms and literary Theory, p. 804.

۵- لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۲۸۵ و ۲۸۶.

۶- رضی، شریف، نهج البلاغه، ص ۱۵ و ۱۴ برای توضیح رک: شرح نهج البلاغه،

این ابی الحدید معتزلی، مجلد نخست .

۷- هجویری، کشف المحجوب، ص ۲۴ و ۲۵

۸- همان، ص ۵۰۲ و ۵۰۳

9- Mieke Bal .

10- Culler, J. The Pursuit of signs, p, III .

11- Eco, Umberto, A theory of semiotics, p, 35.

12- signification .

13- codes .

14- Cuddon, literary terms and literary theory, p, 805.

15- vocabulary .

16- concepts .

17- signification .

18- signifier/ signified .

۱۹- جلال الدین محمد، مثنوی، تصحیح نیکلسون، ص ۴۵۵.

۲۰- معین، تعلیقات برهان قاطع، ص ۱۷۰.

۲۱- محمد جلال الدین، دفتر یکم، بیت ۱۱۳۶ تا ۱۱۴۸.

۲۲- لاهیجی، محمد، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ص ۵۱۱.

23- deconstructionism .

24- Derrida, Jacques .

25- Derrida, of grammatology .

26- Writing and Difference .

27- Speech and Phenomena .

28- Husserl, Theory of sing, 1973.

29- Bouissac, Paul, Encyclopedia of Semiotics, p.181.

۳۰- لچت، جان، پنجاه متفکر بزرگ معاصر، ص ۱۶۱.

۳۱- نوریس، کریستوفر، شالوده شکنی، ص ۱۸۱.

32- School of thought .

33- Pleiade .

34- Gottinger Dich terbund .

35- Pre- Raphaelite Brother hood .

36- Parnassians .

37- Spenser .

38- Bloomsbury Group .

39-Cuddon literary terms and literary theories,

pp:789-790, 872 .

40- Course in General linguistics .

41- Sheriff, John K. The fate of meaning, p, 60 .

42- Ibid, p, 67 .

۴۳- خوانساری، محمد، فرهنگ اصطلاحات منطقی، ص ۸۶.

44- Eco, Umberto. A Theory of Semiotics, p, 191 .

۴۵- لچت، جان، پنجاه متفکر بزرگ معاصر، ص ۲۰۶.

منابع:

۱- اصفهانی، راغب: المفردات فی غریب القرآن، مکتبه مرتضویه، مطبعه

التقدم العربی، تحقیق ندیم مرعشی، تهران، ۱۳۹۲ ق/۱۹۷۲ م

۲- خوانساری، محمد: فرهنگ اصطلاحات منطقی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران،

تهران، ۱۳۵۶ ش .

۳- رضی، شریف: نهج البلاغه، تصحیح صبحی الصالح، بیروت، ۱۳۸۷ ق/۱۹۶۷ م

۴- لاهیجی، شریف: تفسیر شریف لاهیجی، با تصحیح و مقدمه محمد ابراهیم

آینی، موسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۴۰ ش / ۱۹۶۱ م .

۵- لاهیجی، محمد: مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز شیخ محمود شبستری،

کتابخروشی محمودی، تهران، ۱۳۳۷/۱۹۵۸ .

۶- محمد جلال الدین: مثنوی، تصحیح نیکلسون، افست موسسه مطبوعاتی علمی

تهران، بی تا .

۷- معین، دکتر محمد: تعلیقات برهان قاطع، انتشارات ابن سینا، تهران ۱۳۴۲/۱۹۶۳ .

۸- نوریس، کریستوفر: شالوده شکنی، ترجمه: پیام یزدان جو، نشر شیرازه، تهران،

۱۳۸۰ ش .

۹- هجویری، ابوالحسن: علی بن عثمان، کشف المحجوب، تصحیح ژوکوفسکی،

چاپ دوم، کتابخانه طهوری، تهران ۱۳۷۱ ش/ ۱۹۹۲ م .

۱۰- لچت، جان، پنجاه متفکر بزرگ معاصر، ترجمه: محسن، حکیمی، انتشارات

خجسته، تهران، ۱۳۷۷ ش .

1- Bouissac Paul, Encyclopedia of semiotics, oxford university press, 1998.

2- Cuddon J. A. literary Terms and literary Theory, peuguin Books, 1999.

3- Culler Jonathan, The pursuit of signs, London and Newyork, Second Edition, 2001.

4- Derrida Jacques, Of Grammatology, trs. Gayatri Chakravorty Spivak, The Johns Hopkins press, Ltd London, 1997 .

5- Eco Umberto, A theory of semiotics, Indiana University press, Bloomington, 1979.

6- Peirce Charles, Structuralism and literature, princeton University press, 1989.

7- Random House Dictionary, NEW York, 1987.

8-Sheriff John K. The Fate of meaning, Charles Peirce, Structuralism and Literature, Princeton University Press,

New Jersey, 1989.